

Spring and Summer 2025, 2 (3), 68-86.

The National Assembly elections and the political and social origins of the Sanandaj representatives from the Constitutional period to the end of the Fifth Assembly (1284-1304 AH)

Avin Rasouli¹  | Mahdi Ezati²  | Sajad Dadfar³ 

1. Corresponding Author, Master's degree in History of Islamic Iran, Razi University, KERMANSHAH, IRAN. E-mail: avin.rasouli77@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, KERMANSHAH, IRAN. E-mail: ezati2231@gmail.com
3. Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, KERMANSHAH, IRAN. E-mail: sdadfar@razi.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research	Simultaneously with the constitutional struggles in Iran, the city of Sanandaj became the scene of a debate between two groups. A group of supporters of the Qajar monarchy and a group calling for the establishment of a constitutional monarchy. With the signing of the constitutional decree by Mozaffar al-Din Shah in August 1285, the doors of the National Consultative Assembly were opened to representatives from various provinces. After the opening of the first assembly, efforts were made in Sanandaj, the capital of Kurdistan Province, to elect representatives to the assembly. Members of official associations supporting the constitution, such as Sedaqat, Qajar, Workers, and Ahkut, were able to gradually adapt to the changes in society and elect representatives from the classes of large landowners and famous merchants. In the present study, which is based on a descriptive-analytical method and relies on library documents and resources, an attempt has been made to analyze and study the elections to the National Consultative Assembly in Sanandaj (1285-1304) from the first session of the assembly to the end of the fifth session. The purpose of this study is to examine the social and political background of the representatives of different periods of Sanandaj in the National Assembly, the manner in which elections were held, and the performance of their term of representation. The findings of the study indicate that most of the representatives of the National Assembly in Sanandaj were from the influential landowner class.
Article history: Received: 31 January 2025 Accepted: 21 July 2025 Published online: 6 September 2025	
Keywords: Elections, National Assembly, Sanandaj, Representatives, Social and Political base.	

Cite this article: Rasouli, Avin, Ezati, Mahdi, Dadfar, Sajad. Second. (2025). The National Assembly elections and the political and social origins of the Sanandaj representatives from the Constitutional period to the end of the Fifth Assembly (1284-1304 AH). *New Researches in the Studies of the History of Islam and Iran*, 2 (3), 68-86.



© The Author(s).

Publisher: Lorestan University.

DOI: <http://doi.org/10.22034/nrihs.2025.2066548.1056>

سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۳)، بهار و تابستان ۱۴۰۴، ۶۸-۸۶.

انتخابات مجلس شورای ملی و خاستگاه سیاسی و اجتماعی نمایندگان سنندج از مشروطه تا پایان مجلس پنجم (۱۲۸۴-۱۳۰۴ش)

اوین رسولی^۱ | مهدی عزتی^۲ | سجاد دادفر^۳

۱. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: avin.rasouli77@gmail.com
۲. استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: ezati2231@gmail.com
۳. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: sdadfar@razi.ac.ir

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>همزمان با مبارزات مشروطه خواهی در ایران، شهر سنندج صحنه مجادله دو گروه شد. گروهی از طرفداران سلطنت قاجار و گروهی نیز خواستار استقرار مشروطه. با امضای فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه در مرداد ۱۲۸۵ش دروازه‌های مجلس شورای ملی به روی نمایندگان مردمی از ولایات مختلف باز شد. پس از گشایش مجلس اول، در سنندج مرکز ولایت کردستان نکاپوهایی برای انتخاب نمایندگان مجلس شکل گرفت. اعضای انجمن‌های رسمی حامی مشروطه همچون صداقت، صلاحیت، کارگران و اخوت توانستند خود را به مرور با تغییرات جامعه وفق داده و نمایندگان از طبقات مالکان بزرگ و تجار شهر برگزینند. در پژوهش حاضر که مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر اسناد و منابع کتابخانه‌ای است، تلاش شده تا انتخابات مجلس شورای ملی در سنندج (۱۳۰۴-۱۲۸۴ش) از دوره اول مجلس تا پایان دوره پنجم، مورد واکاوی و مطالعه قرار گیرد. هدف از این پژوهش آن است که خاستگاه اجتماعی و سیاسی نمایندگان ادوار مختلف سنندج در مجلس شورای ملی، نحوه برگزاری انتخابات و عملکرد دوره نمایندگی آنان بررسی شود. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که اکثر نمایندگان مجلس شورای ملی در سنندج از طبقه مالکان زمیندار با نفوذ بودند.</p>	<p>نوع مقاله: ترویجی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۲</p> <p>پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵</p> <p>کلیدواژه‌ها: انتخابات، مجلس شورای ملی، نمایندگان، سنندج، پایگاه اجتماعی و سیاسی.</p>

استناد: رسولی، اوین، عزتی، مهدی، دادفر، سجاد (۱۴۰۴). انتخابات مجلس شورای ملی و خاستگاه سیاسی و اجتماعی نمایندگان سنندج از مشروطه تا پایان مجلس پنجم (۱۲۸۴-۱۳۰۴ش). پژوهش‌های نوین در مطالعات تاریخ اسلام و ایران، سال دوم، شماره ۲ (۳)، ۶۸-۸۶.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه لرستان.

۱. مقدمه

از سال ۱۲۸۵ تا ۱۳۰۴ ش که ۱۹ سال به طول انجامید، پنج دوره مجلس شورای ملی برگزار شد. در ایام برگزاری انتخابات دور اول مجلس شورای ملی، سنندج به همراه بسیاری دیگر از شهرهای دورافتاده و محروم به علت بی‌خبری از حوادث روز پایتخت، از قافله عقب ماند و در این مرحله نتوانست نماینده‌ای به سوی مجلس روانه کند. از دوره دوم تا پنجم مجلس شورای ملی، این شهر نتوانست نمایندگان خود را به مجلس هدایت کند. با این حال فضای اجتماعی و طبقاتی، رأی‌سازی، معامله کردن کرسی‌های نمایندگی، عدم مشارکت گسترده مردم به علت معترض بودن به این روند و عدم رسیدگی چندان به این اعتراضات باعث ایجاد شکافی میان مخاطبان حقیقی این نهضت با آنچه که اجرا می‌شد، گردید. در این برهه حوادثی از قبیل تدوین قانون اساسی، استبداد صغیر و اضمحلال مجلس، به پادشاهی رسیدن احمدشاه و مصادف شدن آن با جنگ جهانی اول، مصائب اقتصادی و ناامنی و آشوب در کشور، کودتای ۱۲۹۹ ش، به قدرت رسیدن رضاخان و سپس خلع قاجاریه از سلطنت به وقوع پیوست. این پژوهش قرار است به پرسش‌های ذیل پاسخ داده دهد:

- از مجلس دوم تا مجلس پنجم شورای ملی، ساز و کار انتخابات در شهر سنندج چگونه بوده است؟
- نمایندگان سنندج در شورای ملی از کدام خاستگاه و پایگاه اجتماعی، حزبی و سیاسی برخوردار بودند؟
- نحوه انتخابات در شهر سنندج چگونه انجام شد؟
- میزان مشارکت و حضور مردم به چه صورت بود؟
- آیا نمایندگان برآمده از خواست و رأی مردم بودند؟
- نمایندگانی که انتخاب شدند چه نقشی در مجالس مختلف داشتند؟

- مهم‌ترین مسائل و چالش‌های پیش روی نمایندگان در

سطح ملی و محلی شامل چه مواردی بود؟

با وجود اینکه نهضت مشروطه در تاریخ کشور مولد تغییرات بنیادین در نظام سیاسی و اجتماعی بوده و مناطق مختلف ایران هر کدام به سهم خود در این مسیر تأثیرگذار بوده‌اند، توجه چندان به تأثیر و بازتاب آن در سنندج صورت نگرفته است. بررسی منابع مختلف مؤید غفلت مورخین و پژوهشگران در این زمینه می‌باشد. تاکنون یک پژوهش علمی منسجم که به انتخابات و نمایندگان سنندج در مقطع زمانی مشروطه تا پایان قاجار پرداخته باشد، صورت نپذیرفته است. اگر هم کاری علمی صورت گرفته، از نظر محدوده مکانی، کل کردستان را پوشش داده است. کتاب کردستان در مشروطه: از آشوب تا تحرک نوشته احمدی ضمن صحبت از تاریخچهٔ اکراد و نظرات جامعه‌شناسان و مورخان مختلف در مورد معنا و مفهوم انقلاب، به واکاوی تأخیر کردهای کردستان در حوادث مشروطه و پیامدهای کوتاه مدت و بلند مدت مشروطه در استان کردستان پرداخته است. همان‌طور که پیدا است، این اثر از سال‌های نخستین مشروطه فراتر نرفته و از نظر مکانی تمرکز خود را روی کل کردستان نهاده است. جدای از این موارد، به اسامی و پایگاه نمایندگان و روند انتخابات که موضوع پژوهش حاضر است، اشاره‌ای نکرده و تنها به ذکر حوادث قبل، حین و بعد از مشروطه اکتفا شده است. پایان‌نامه «کردهای غرب ایران، کردستان و آذربایجان، ملیت، قومیت و مذهب از مشروطه تا ۱۲۹۹» از شمس که در آن با بهره‌گیری از روزنامه‌ها، به مسائل احزاب و انتخابات در کردستان پرداخته؛ ولی کمتر از اسناد آرشیوی بهره گرفته است. در این اثر تنها انتخابات مجالس اولیه تا قبل از کودتای ۱۲۹۹ ش مورد واکاوی قرار گرفته، ولی در پژوهش حاضر انتخابات مجلس در سنندج از مشروطه تا سقوط رضاشاه به صورت تخصصی مورد توجه قرار گرفته

است. پایان نامه «نقش کردستان در نهضت مشروطه و اوضاع منطقه تا پایان حکومت قاجاریه» از میمنت آبادی به حوادث مشروطه و بازتاب آن در کردستان پرداخته است. تفاوت پژوهش حاضر با این پایان نامه در این است که در این مقاله به صورت متمرکز به نمایندگان، خاستگاه اجتماعی، وابستگی حزبی و آراء آنان می‌پردازد. مقاله «احزاب و انتخابات در کردستان از مشروطه تا پایان جنگ جهانی اول» از زارعی تنها به انتخابات و نمایندگان ادوار اول تا سوم مجلس شورای ملی در کردستان پرداخته و به احزاب اولیه و انجمن‌های مشروطه خواه کردستان اشاره نموده است.

۲. مجلس اول و تدوین قانون انتخابات

در ایران برای تدوین قانون انتخابات تحت عنوان «نظام‌نامه»، به دستور شخص شاه، اعضای شورای عالی دربار به سرپرستی میرزا نصرالله خان مشیرالدوله، به انجام این مهم مأموریت یافتند (روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۲۴ق: ۴؛ ۲). مضیقه زمانی برای تدوین نظام‌نامه و تعجیل مشروطه‌خواهان جهت برگزاری هرچه سریع‌تر انتخابات و بازگشایی مجلس به علت بیماری مظفرالدین شاه و ترس از مرگ او (هدایت، ۱۳۴۴: ۱۴۳)، مهم‌ترین دلیل گریش تدوین‌کنندگان نظام‌نامه انتخابات به سمت‌وسوی ترجمه و تقلید از قوانین انتخاباتی کشورهای اروپایی مثل فرانسه بود. در شماره دوم روزنامه ندای وطن به مسئله برداشت و رونویسی از قوانین انتخاباتی اروپایی اشاره شده است (روزنامه ندای وطن، ۱۳۲۴ق: ۲؛ ۴). در شماره ششم روزنامه مجلس نیز به مسئله تعجیل ولایاتی مثل یزد، کرمان و کرمانشاهان در ارسال وکلای خود به مجلس اشاره شده و از کردستان سخن به میان آمده که در این برهه شمار کسانی که حق رأی نداشته‌اند را مشخص کرده است (روزنامه مجلس، ۱۳۲۴ق: ۶؛ ۱). این نظام‌نامه در تاریخ ۱۶ شهریور

۱۲۸۵ش با ۵۱ اصل به امضای شاه رسید و طبق مفاد آن، نخستین انتخابات به حالت صنفی برگزار شد و نفرات نماینده از عده ۱۵۶ نفر فزونی نمی‌کرد مگر در هنگام ضرورت. از این تعداد، ۶۰ سهم به تهران اختصاص پیدا کرد و مابقی متعلق به دیگر نقاط ایران بود (رحیمی، ۱۳۵۷: ۶۵؛ نجفی و فقیه‌حقانی، ۱۴۰۳: ۲۹۹-۲۹۸). در نهایت جلسه نخست مجلس اول بدون حضور نمایندگان ولایات برگزار شد و حتی در غیبت و نبود این ۹۶ نفر نماینده ولایات، آراء آن ۶۰ نماینده تهران، معتبر و لازم‌الاجرا بود؛ چراکه ماده ۱۹ نظام‌نامه چنین تصریح می‌کرد که با به حد نصاب رسیدن تعداد نماینده‌ها، مجلس تشکیل خواهد شد و تأخیر نمایندگان ولایات، مانع گشایش مجلس نخواهد شد (شجیعی، ۱۳۷۲: ۱۳۷-۱۳۶). این امر دقیقاً خلاف آرمان‌های اولیه مشروطه بود و موجب گردید ولایات از اخبار و حوادث تهران بی‌اطلاع باشند. از ایرادهای اصلی این نظام‌نامه موقت می‌توان به مواردی از قبیل سطح‌بندی و طبقاتی شدن انتخابات و نادیده گرفتن جمعیت کثیر دهقانان و روستاییان، تخصیص امتیازات به نمایندگان تهران که سهم ۶۰ نفر از ۱۵۶ نفر را برای خود بلوکه کرده بودند و عدم تفکیک دسته ایلات و عشایر از سایر طبقات اشاره نمود (کرمانی، ۱۳۸۷: ۴۸۱؛ شجیعی، ۱۳۷۲: ۱۳۵؛ آدمیت، ۱۹۸۵: ۳۵۱-۳۵۳؛ سلطان‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۰).

در این نظام‌نامه روی هم رفته به کردستان و همدان شش سهمیه داده شده بود و انتخاب‌کنندگان حق داشتند به یک نفر در یک طبقه واحد رأی دهند و برای جلوگیری از کارشکنی و همچنین تحقق امر نظارت بر روند انتخابات در ولایات و ایالات، تشکلی شش نفره از مشاهیر هر نقطه از ایران با نظارت حاکم همان نقطه دور هم جمع می‌شدند. این قانون که تحت عنوان قانون تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایاتی در بهار ۱۲۸۶ش به تصویب مجلس شورای ملی

رسید، به موجب فصل اول، ماده ۲، در هر مرکز ایالت، انجمنی ناظر با نام انجمن ایالتی و در هر شهر و نقطه کوچکی، انجمنی با نام انجمن ولایتی تشکیل می‌شد. به موجب این قانون هر یک از ایالات می‌توانستند یک نفر را به نمایندگی خود به انجمن ولایتی قلمرو شان بفرستند (راوندی، ۱۳۵۷: ۱۰۳؛ اتحادیه، ۱۳۷۵: ۱۰۱). در کنار کارشکنی‌های حکام مستبد محلی و تبلیغات سوء روحانیون طرفدار استبداد، ناکارآمدی و ضعف نهادهای مسئول نظارت در رسیدگی به شکایات و عدم اجرای درست این قانون در مناطق کردنشین به ویژه سنندج، نه تنها مولد نگرش خصمانه مردم به رژیم مشروطه شد، بلکه بحران سیاسی در کردستان را پررنگ‌تر از قبل کرد (کلهر، ۱۳۸۵: ۲۷؛ شجاعی دیوکلانی و خداینده، ۱۴۰۰: ۳۷۱). در کل بیشترین فعالیت مجلس اول شورای ملی، حول محور تدوین و تنظیم نظام نامه انتخاباتی و قانون اساسی شد (صدر روحانی، ۱۳۸۶: ۲). در این مجلس، عنوان حزب سیاسی هیچ‌گاه به میان نیامد؛ با این حال نوعی وابستگی‌های حزبی وجود داشت. گروهی از نماینده‌ها عضو جمعیت‌های سیاسی بودند و برخی با انجمن‌ها همکاری می‌کردند. دو یا سه تن نیز در فرقه اجتماع‌یون عامیون عضویت داشتند. در کلیت ماجرا ترکیب سیاسی نمایندگان مجلس اول، از چهار گروه تشکیل شده بود؛ سنت خواهان، اعتدالیون، ترقی خواهان و رادیکال‌ها (آدمیت، ۱۹۸۵: ۳۶۲).

۳. انتخابات مجلس دوم شورای ملی در سنندج

انتخابات مجلس دوم، طبق نظام‌نامه انتخاباتی که در تاریخ ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق/ ۱۰ تیر ۱۲۸۸ش تدوین شده بود، برگزار شد و برخلاف دوره نخست مجلس، از سیستم انتخابات صنفی فاصله گرفت. در کردستان فقط شهر سنندج بود که دست به انتخابات زد و در دیگر بلوکات این ولایت، انتخابات صورت نگرفت. از کلیه اوراق تعرفه‌ای که از جانب

انجمن نظارت مجلس شورای ملی برای انتخابات سنندج فرستاده بودند، تعداد ۶۸۲ نفر از دارندگان تعرفه، رأی داده ولی ۴۱ نفر رأی ندادند (شهرضایی، ۱۳۸۵: ۳۱). در این دوره، انتخابات با احزاب اعتدالی و دموکرات پیش‌رفت و اعتدالی‌ها که اکثریت را تشکیل می‌دادند، خود از طبقه اعیان و اعظم بودند. بنابراین مجلس دوم به خودی خود به مجلس اشراف و اعیان مبدل شده و این در تضاد با تعلق مشروطیت به تمامی طبقات و اقشار بود (مروارید، ۱۳۷۷: ۲۱۹). حزب اعتدالی ۳۶ نماینده و حزب دموکرات ۲۸ نماینده در مجلس داشت. ترکیب و چینش طبقاتی نمایندگان منتخب مردم در مجلس شورای ملی، طبق قوانین انتخابات، به صورت بالقوه تنها محدود به طبقات خاصی از جامعه نبود؛ ولی در عمل این انتخابات جور دیگری رقم خورد؛ چراکه قدرت سیاسی در دستان اقشار بالادست مانند مالکان بزرگ و کارمندان جمع شده بود. اگر در دور اول مجلس، طبق فرمان مظفرالدین شاه، انتخابات در میان شش طبقه صورت گرفته بود؛ در ادوار دیگر مجلس شورای ملی در قبضه قدرت مالکان و کارمندان دولتی بود (شجیعی، ۱۳۷۲: ۴۲۶). با این اوصاف در دوره دوم مجلس، دو تن از اعیان و اعظم سنندج به مجلس شورای ملی راه یافتند.

۱-۳. اوضاع اجتماعی، سیاسی سنندج در دوره نمایندگان مجلس دوم

سنندج که در این ایام به تازگی استیلای حاکم مستبد ظفرالسلطنه را از سر گذرانده بود، در آشوب ناشی از آن غوطه‌ور بود. با عزل ظفرالسلطنه از حکومت کردستان میرزا عبدالله خان امیرنظام همدانی پس از گذشت ۷ ماه، در ۱۱ رجب ۱۳۲۸ق/ ۲۷ تیر ۱۲۸۹ش وارد سنندج شد (مردوخ، ۱۳۷۹: ۵۰۷). در این دوره سنندج یکی از دوران پرآشوب خود را از سر گذراند و فریاد دادخواهی مردمش به گوش نمایندگان می‌رسید که اکنون به تمام امید این مردم بی

فریادرس تبدیل شده بودند. آنان که ساحت مقدس پارلمان را برای دادخواهی ملت مظلوم می‌دانستند، به هنگام محاصره سنندج توسط ظفرالسلطنه و امیر نظام همدانی شکایات خود را به مجلس عارض شدند و اصلاح امور را برعهده آنان گذاشتند (شهرضایی، ۱۳۸۵: ۷۰-۶۹). فقدان حاکمی مشروطه خواه و ظلم و تعدی حکام مستبدی که از جنب دولت مرکزی به این ناحیه فرستاده می‌شدند در کنار آشوب سالارالدوله^۱ در غرب و آوازه ظلم و جوری که بر مردم ارزانی می‌داشت؛ بدبختی و فلاکت را تمام و کمال بر مردم سنندج و سایر شهرها و قصبات کردستان تمام کرد. پس از مدتی امیرنظام همدانی از حکومت کردستان استعفا داد و تا آمدن حاکمی دیگر، مسئولیت اداره انتظامات کردستان به مشیر دیوان محول شد (شمس، ۱۳۹۲: ۱۴۳-۱۴۲). در پی این وضعیت، جمعی از اصناف کردستان که از بی‌عدالتی و عدم امنیت در کردستان گله‌مند بودند و از اهداف عدالت خواهانه انقلاب مشروطه ناامید شده بودند، به مجلس نامه فرستادند. در این نامه به شرح اوضاع اسفبار کردستان پرداخته و عنوان کردند دولت، هر کسی را که به عنوان مأمور اداره کردستان به این منطقه می‌فرستد، به محض ورود با مفسد و مغرض همدست می‌شود و جز خرج تراشی و مانع شدن، در این ولایت کاری از پیش نمی‌برد. از اوضاع پریشان زارعین که بی‌خانمان و آواره شده بودند سخن گفتند و از احتکار گندم و پوسیدن آن در انبار محتکران و گرسنگی مردم نیز یاد کردند (شمس، ۱۳۹۲: ۱۴۶-۱۴۳؛ شهرضایی، ۱۳۸۵: ۱۰۵-۱۰۱). این نامه‌نگاری‌ها و شکواییه‌ها آنقدر ادامه پیدا کرد تا سرانجام در پنجم جمادی‌الآخر ۱۳۲۹ق/ ۱۲ خرداد ۱۲۹۰ش شخص رئیس وزراء طی پیامی به مجلس در

خصوص شکایت علما و رجال کردستان از اوضاع نابسامان کردستان عنوان کرد که برای کردستان حاکمی جدید گسیل شده و این حاکم به محض ورود، مقتضیات آسایش عمومی را فراهم خواهد آورد (شهرضایی، ۱۳۸۵: ۱۳۰-۱۲۹).

۲-۳. نمایندگان سنندج در مجلس دوم شورای ملی

۱-۲-۳. میرزا اسدالله خان کردستانی

میرزا اسدالله خان که اصالتاً اهل کردستان بود و به همین دلیل به کردستانی شهرت یافته بود، بیشتر عمر خود را در مناطق مختلف کشور و دنیا گذرانده و دوران تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه سلطانی استانبول سر داد. پس از مراجعت از استانبول، در اداره گمرک تهران مشغول به کار شده و بعد از مدتی به آذربایجان فرستاده شد. با گذشت مدتی، از اداره گمرک استعفا داده و وارد اداره پست مرکزی شد و در آنجا مشغول به کار گردید و از این طریق به مأموریتی در اروپا فرستاده شد. در آنجا به صورت مخفیانه به خرید و فروش فشنگ و قاچاق آن به ایران پرداخت و پس از فتح تهران توسط مشروطه خواهان، به ایران مراجعت کرده و خود را در صف مشروطه طلبان قرار داد (معین، ۱۳۳۱: ۱۶۹-۱۶۸). میرزا اسدالله خان از ملاکین کردستان بود و حتی به خاطر زمین آبا و اجدادی خود با فرزندان آصف اعظم کردستانی که در غیاب او، املاک‌اش را ضبط کرده بودند، درگیر شده بود (ساکما؛ ۲۰۱۱: ۶۶۴۹۹۰۰۱-۳۱۰).

اسدالله خان در انتخابات مجلس دوم شورای ملی که قدرت انتخاب در ید اعیان و ملاکین سنندج بود، به نمایندگی سنندج انتخاب شد و به حزب اعتدالیون پیوست (تقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۹۰). در سال ۱۳۲۸ق که میرزا ابوالحسن خان معاضدالسلطنه وزیر پست و تلگراف شده بود، اسدالله

۱. از اتفاقات مهمی که در این دوران پیش آمد و دامنه تأثیر آن تا دوره‌های سوم انتخابات کشیده شد، فتنه سالارالدوله برادر محمدعلی شاه مخلوع برای به دست آوردن تاج و تخت، در غرب کشور بود. سالارالدوله که یک ورشکسته

سیامی بود، توانست در غرب کشور به ویژه در کردستان، قدرتی به هم زده و دامنه فتنه خود را طوری بگستراند که موجبات زحمت اولیای دولت مرکزی را برای مدتی فراهم آورد.

خان کردستانی را به واسطه دوستی و هم‌مسلمکی به معاونت خود برگزید (معین، ۱۳۳۱: ۱۶۹؛ تقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۹۰). اسدالله خان به واسطه مقامی که در وزارت پست داشت، امتیاز چاپ تمبرهای بزرگداشت تاج‌گذاری احمدشاه را به دست آورد؛ لکن به دلیل اوضاع پرآشوب جنگ جهانی اول نتوانست این مهم را به سرانجام برساند. علاقه اسدالله خان به چاپ تمبر و امتیازات مربوط به آن، بعدها نیز مشکلاتی را برایش به وجود می‌آورد.

نطق‌های این نماینده پیرامون مسائل مختلفی که به موضوعات داغ هر جلسه از مجلس دوم تبدیل شده بود، متعدد می‌باشد؛ لکن از مهم‌ترین آن‌ها در این قسمت سخن به میان می‌آوریم. از مباحثی که اسدالله خان کردستانی در مجلس دوم به آن پرداخت، پیشنهاد برگزاری کمیسیون بودجه به صورت غیرعلنی به هیأت رئیسه مجلس بود. در متن نامه خود در این باره چنین نوشت:

طبق تجربیاتش از سفر اروپا، در کشورهایی مثل انگلستان، مجارستان، بلژیک و... کمیسیون بودجه در مجلس به هیچ عنوان عمومی نداشته و خصوصی برگزار خواهد شد. بنابراین واجب است با توجه به اهمیت بودجه در مسائل کشور، این کمیسیون دور از استماع عموم نمایندگان برگزار شود (کمام؛ ش سند: ۰۰۰۶۵-۱۲۱۷۱-۴۲).

در جلسه ۱۲۰ دوره دوم در مورد انفعال نمایندگان مجلس پس از گذشت ده ماه از گشایش مجلس و ظلمی که به مردم روا می‌دارند، سخن راند و نمایندگان را چشم امید مردم برای حل و فصل امور تلقی کرد. او اضافه کرد که اکنون اوضاع مملکت به سمت تاریکی بیشتر حرکت می‌کند و به خطر اشغال ایران توسط قوای بیگانه و لزوم اقدام کابینه دولت و مجلس نمایندگان اشاره نمود (روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ۱۳۲۵ ق: ۳۴۹-۳۴۷). در جلسه ۱۳۱ نیز ادعای وزیر امور خارجه در مورد مذاکره با قشون روس برای تخلیه خاک ایران را مورد سوال قرار داد و تصریح کرد

که قشون روس بدون مذاکرات دیپلماسی، وارد ایران شده‌اند و فلذا بایستی بدون مذاکرات، از ایران خارج شوند (روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ۱۳۲۵ ق: ۳۹۳). در جلسه ۲۰۹ خطاب به وزیر جنگ، از دخالت دادن سواران و جنگاوران ایلات کردستان در سپاه و قشون حکومت و دولت سخن به میان آورده و چنین نطق کرد که یقیناً اگر کردها، سوارانی تحت نفوذ حکومت می‌داشتند، مدافعه می‌کردند و نمی‌گذاشتند قشون اجنبی وارد مرزهای غربی کشور شود و پُر واضح است که ما از فوائد استفاده از ایلات به طور کامل استفاده نمی‌بریم (روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ۱۳۲۵ ق: ۸۸۷).

۲-۲-۳. عزت‌الله خان عزالملک اردلان

عزت‌الله خان اردلان ملقب به عزالملک، از نسل خاندان بزرگ اردلان‌ها بود که روزگاری خاندان حکومتی سنندج بودند. اردلان‌ها پس از سلطه مستقیم دولت مرکزی بر کردستان، با وجود از دست دادن قدرت سیاسی قدیمی خود، همچنان جزو اعظام غرب کشور محسوب می‌شدند و با املاک فراوانی که داشتند، جایگاه مهمی در اقتصاد و اجتماع سنندج، برای خود دست‌وپا کرده بودند. آنان به واسطه ازدواج‌های سیاسی که در ازمنه قدیم با خاندان سلطنتی قاجار داشتند، در پایتخت و در جوار نزدیکان خود زندگی می‌کردند و تنها بر املاک و مستغلات خود در کردستان، دورادور نظارت داشتند. عزت‌الله خان اردلان در دور دوم انتخابات مجلس با ۴۷۸ رأی از مجموع ۶۸۲ رأی (نظری، ۱۳۹۰: ۵۷۹)، در کنار اسدالله خان کردستانی جزو نمایندگان منتخب سنندج شد. عزالملک برخلاف اسدالله خان که گرایش حزبی خود را روشن کرده بود، به سمت هیچ حزب و گرایش سیاسی حرکت نکرد و محافظه کارانه، بی‌طرفی را در بازار پرآشوب سیاست برگزید.

اسناد باقی مانده از آن دوران که کردستان گرفتار فلاکت و هرج و مرج بعد از مشروطه شده بود، چنین عنوان نمود:

از ساکنین آن ساحت قدس استدعای عاجزانه می‌نمایم که توجهات سریعه وزارت عظام را به این ولایت که موقع آن شایان بسی دقت است و از هر حیث امور آن پریشان و بی‌سامان و تمام اداراتش تعطیل شده، نه حکومت دارد و نه انجمن، نه نظمی، نه بلدی، نه عدلیه، نه امینیه، نه قشون، نه... و تمام ایالات و اهالی سرحداتش روز به روز بر طغیان نشان افزوده و عموماً علم شقاوت را بلند کرده‌اند (شمس، ۱۳۹۲: ۱۳۸).

مجلس در پاسخ به نامه عزالملک، طی تلگرافی، امکانات و استعدادی که به کردستان اختصاص داده‌اند را کافی تلقی کرد. همین مسئله موجب اعتراض و ناراحتی عزالملک و انجمن ولایتی کردستان شد و طی تلگرافی دیگر به تهران، این پاسخ مجلس را مایه نومییدی مردم کردستان تلقی کرده و از تعداد ناکافی قشون سنندج و فعالیت پر آب و تاب اشرار و نبود حاکمی دلسوز در این منطقه گلابه کرد (روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ۱۳۲۵ ق: ۱۴۱-۱۴۲). عزالملک ۲۵ ماه در کسوت نماینده سنندج در مجلس باقی ماند و سرانجام با بسته شدن مجلس دوم، از این منصب برای همیشه کناره گرفت.

۴. انتخابات مجلس سوم شورای ملی در سنندج

مجلس سوم شورای ملی، مورخ ۱۴ آذر سال ۱۲۹۳ ش آغاز به کار کرد و در کمتر از یک سال به فعالیت خود پایان داد. انتخابات این مجلس پس از سه سال تأخیر در شهریور ۱۲۹۳ ش / شوال ۱۳۳۲ ق برگزار شد. این دوره از مجلس به دلیل وقوع جنگ جهانی اول، دچار آشفتگی و تنش بسیار شد.

کار انتخابات این دوره کند و تدریجی پیش رفت. تا حدی که در طول ۱۱ ماهی که مجلس سوم افتتاح شد، انتخابات در ولایات مختلف همچنان در حال انجام بود و تا پایان این دوره، نمایندگان به تدریج وارد مجلس می‌شدند. گروهی از

در مشروح مذاکرات جلسه ۱۳۰ مجلس از وزیر امور خارجه در مورد اقداماتی که باید برای شهر بلنه کردستان صورت می‌گرفته، توضیح خواست؛ چراکه این شهر قریب به سه سال بود که از تحت نفوذ حکومت ایران خارج شده و توسط دول بیگانه اشغال شده بود (روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ۱۳۲۵ ق: ۳۹۲). در جلسه ۲۶۳ مجلس دوم شورای ملی مکتوب شده است که عزالملک اردلان در این جلسه یک طرح قانونی با موضوع «استخدام نمایندگان» قرائت کرد و در شرح آن عنوان داشت که هیچ نماینده‌ای حق ندارد در دورانی که وکالت مجلس را بر عهده دارد، شغل دولتی اختیار کند و باید تا پایان دوره وکالت و نمایندگی خود صبر پیشه کند. او معتقد بود این کار به صلاح ملت و دولت نبوده و نماینده را از وظایف حقیقی خود دور می‌کند. در نهایت پس از گفت‌وگوی فراوان، این طرح مخالف اصل ۳۶ قانون اساسی و اصول آزادی طبیعی تشخیص داده شد و رد شد (روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ۱۳۲۵ ق: ۳۴۹-۳۴۷). همچنین در جلسه ۳۰۸ از دور دوم مجلس، به اظهارات دکتر سیدالاطباء در مورد تقلیل عده نمایندگان کردستان و تبعیضی که درگزینش آنان در حوزه انتخابی سنندج صورت می‌گیرد، سخت اعتراض کرد و در مقابل، حق کردستان را ۴ کرسی نمایندگی دانست. امان‌الله خان عزالملک اردلان که اصالتاً سنندجی بود، در حمایت از عزالملک اظهار کرد اکثر کسانی که شرایط رأی دادن دارند در مرکز کردستان یعنی سنندج زندگی می‌کنند و نمایندگان کردستان بیشتر از این حوزه انتخاباتی گزینش می‌شوند. این مسئله یک امری کاملاً طبیعی است (روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ۱۳۲۵ ق: ۱۷۳۹).

ایشان در مدت نمایندگی خود، چندین بار در مورد اوضاع پریشان کردستان به مجلس نامه زد و از ریاست مجلس درخواست پیگیری لازم را کرده بود. برای مثال در یکی از

نمایندگان حتی تا آخر این دوره به مجلس نرسیده یا روزهای آخر به مجلس وارد شدند (اتحادیه، ۱۳۷۵: ۱۶۴؛ گروه مطالعات بنیادین حکومتی، ۱۳۸۴: ۶۱). بنابراین تعداد نمایندگان این دوره از مجلس به حد نصاب خود یعنی ۱۳۶ نفر نرسید و در پایان ۱۵ نفر به مجلس نرسیدند (روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ۱۳۲۷ ق: ۲-۵).

در سنجیدگی انتخابات به روال سایر ولایات و نقاط کشور پیش رفت و سه نماینده از جانب این شهر به مجلس راه یافتند. این سه نفر از طبقه مالکان بودند؛ اسدالله‌خان کردستانی (برای دومین مرتبه)، آقاخان اعزازالسلطنه و فرج‌الله خان سردار معظم مشهور به آصف (زارعی مهرورز، ۱۳۸۹: ۳۶۴). در مملکتی که اساس اقتصاد در آن بر پایه کشاورزی استوار شده باشد و صنعت و فنون نوین در مرحله ابتدایی و آغاز رشد خود قرار داشته باشد، ثروت در درجه اول به صورت اموال غیر منقول و از جمله اراضی مزروعی است. جای تعجب نیست اگر طبقه مالکان، از منزلت اجتماعی بیشتری برخوردار باشند و با روی کار آمدن حکومت‌های مختلف و تغییر رژیم سیاسی، همچنان جزو اعظم و طبقه ممتاز جامعه باشند (شجیعی، ۱۳۷۲: ۴۳۰). آغاز دستیابی گسترده طبقه مالکان به نمایندگی مجلس را باید از دوره سوم دانست. گروه‌بندی‌های سیاسی در مجلس سوم با اندکی تغییر همراه شد؛ به احزاب قدیمی اعتدالیون و دموکرات‌ها، دو گروه جدید «بی‌طرف» و «هیأت علمیه» اضافه شدند (سلطان‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۷).

۱-۴. اوضاع سیاسی، اجتماعی سنجیدگی در دوره نمایندگان مجلس سوم

در سنجیدگی، اوضاع به هیچ وجه مطلوب نبود. از یک طرف نفوذ طرفین معاند و اشغالگر به ایران و مخصوصاً نواحی غربی، چرخه زندگی مردم را مختل کرده بود و از طرف دیگر حاکم مستبد سنجیدگی، سردار محی، عرصه را بر مردم

کردستان تنگ کرده بود. قبل از شروع جنگ، ناحیه کردستان در ایران، منطقه مهمی میان روسیه و عثمانی برای رقابت بود. از طرف دیگر دو دولت روسیه و انگلستان در تلاش بودند که از طریق تحریک کردها، آن‌ها را علیه دولت عثمانی که در همسایگی این منطقه بود، بشورانند (مظهر احمد، ۱۳۹۸: ۵۵-۵۶). تخریبی که از اشغال سنجیدگی عاید مردم شد، تنها جنبه سیاسی و نظامی نداشت؛ بلکه در تمامی ابعاد جامعه کردستان بروز کرد. نیروهای اشغالگر حین مستقر شدن در شهرها، آنجا را به پایگاه نظامی خویش مبدل می‌کردند و در نتیجه برخوردی که بین نیروهای متفق و متحد در این شهرها صورت می‌گرفت، تخریب ساختارهای شهری سرعت بخشیده می‌شد. در شهرهای کردنشین، راه‌های ارتباطی، خطوط تلگرافی، سیستم حمل و نقل، گمرک و بازار تجارت به منظور بهره‌برداری نظامی استفاده شد و این زیرساخت‌ها نابود شدند و ضربه سنگینی به اقتصاد این منطقه زده شد (رعنائی، ۱۳۹۶: ۲۹). عامل دیگری که زیستن در این ناحیه از کشور را با مشکل مواجه کرده بود، حکومت سردار محی در کردستان بود. سردار محی که در سال ۱۲۹۳ ش وارد کردستان شده بود، چندی نگذشت که شکایات فراوانی از عملکرد ناصحیح ایشان به گوش دولتمردان پایتخت رسید. این شکایات در قالب تلگراف‌ها و نامه‌های متعدد به مجلس تقدیم می‌شد و محتوای آن‌ها تماماً مملو بود از به باد دادن اموال مردم بیچاره و ازدیاد اشرار، عدم امنیت و... (شمس، ۱۳۹۲: ۱۸۵-۱۸۳؛ شهرضایی، ۱۳۸۵: ۲۰۸-۲۰۲). مجلس تلاش کرد که با پیگیری اوضاع از طریق وزارت داخله به آشوب پایان دهد ولی اقدام مؤثری از جانب وزارتخانه صورت نگرفت و در نتیجه اوضاع کردستان بدتر و شکوایه‌های مردم بیشتر شد. حتی علمای کردستان در تلگرافخانه به تحصن نشستند و بازاریان از باز کردن دکان‌های خود دست کشیدند (شمس، ۱۳۹۲: ۱۹۰-۱۸۹).

ایران، ۱۳۲۷ق: ۴؛ نظری، ۱۳۹۰: ۱۹). در این دوره که نقطه شروع حضور طولانی مدت و مکرر ایشان در عرصه سیاست می باشد، در رسته سیاسی بی طرفان قرار گرفت (تقی زاده، ۱۳۷۹: ۱۱۲). در تمام مدتی که نماینده سنندج در مجلس بود، کمتر زمانی در صحن مجلس نطقی داشت و همواره جزو اکثریت مجلس بود.

۳-۲-۴. آقاخان اعزاز السلطنه

آقاخان اعزاز السلطنه یکی از مالکان سنندج بود که با ۲۹۷ رأی از مجموع ۹۷۳ رأی به مجلس سوم راه یافت و مدت ۸ ماه و ۲۵ روز، یکی از نمایندگان سنندج در مجلس بود (روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ۱۳۲۷ق: ۴). گرایش حزبی او به سمت حزب اعتدالیون بود (تقی زاده، ۱۳۷۹: ۱۰۹). به علت کمبود اطلاعات ایشان در اسناد آرشیو ملی، کتب، روزنامه‌ها و شرح مذاکرات مجلس، این پژوهش قادر به بسط شرح حال و اقدامات ایشان در مجلس نبوده و جدای از کمبود اطلاعات، کوتاه بودن بازه زمانی حضور در مجلس و عدم تکرار نمایندگی در دوره‌های بعد نیز بی تأثیر نیست. فقط همین دو نکته در مورد ایشان حاصل شد؛ اول اینکه پس از گذشت جلسات اولیه مجلس و مشغله هیأت رئیسه به امر تأیید اعتبارنامه‌های نمایندگان، در شماره ۶ روزنامه رعد، در مورد آقاخان اعزاز السلطنه و سردار معظم مطلبی چاپ شد که اعتبار نمایندگی آنان را زیر سوال برده و توجه کمیسیون انتخابات مجلس و وزارت داخله را به خود جلب کرد. در همین راستا مؤتمن الملک رئیس مجلس سوم، طی استشهادنامه‌ای، حسن نظر خود را از اعتبار و صحت انتخاب آنان اعلام داشته و هر سه نماینده سنندج را از اعظم با آبرو و قانونمند دانست. در ادامه از وزارت داخله و کمیسیون تقاضا کرد که خام این اخبار غیر واقع نشده و در مورد درستی برگزاری انتخابات کردستان، خللی به خود راه ندهند (کمام؛ ش سند: ۰۰۰۴۷-۱۷۴۶۰-۲۳). دو اینکه

سرانجام این مسئله به صورت علنی در جلسه ۴۱ مجلس سوم در ۱۲ رجب ۱۳۳۳ق/ ۴ خرداد ۱۲۹۴ش مطرح شد و وکلا، فرمانفرما وزیر داخله را به توضیح وا داشتند.

۲-۴. نمایندگان سنندج در مجلس سوم شورای ملی

۱-۲-۴. اسدالله خان کردستانی

اسدالله خان کردستانی که برای دومین بار به نمایندگی سنندج در مجلس سوم شورای ملی رسیده بود، این بار به جمعیت بی طرفان در مجلس پیوست. وی با ۳۵۴ رأی به نمایندگی رسید و مدت ۸ ماه و ۲۵ روز در مجلس سوم حضور داشت (روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ۱۳۲۷ق: ۴). در همان اوان که به مجلس رسید، به سمت مباشرت مجلس انتخاب گردید و به یکی از منشی‌های هیأت رئیسه اهل تسنن در مجلس سوم منصوب شد (تقی زاده، ۱۳۷۹: ۱۰۹؛ گروه مطالعات بنیادین حکومتی، ۱۳۸۴: ۶۱). میرزا اسدالله خان در رسته جوان‌ترین نمایندگان مجلس قرار داشت.

۲-۲-۴. فرج الله خان سردار معظم

فرج الله خان آصف وزیری، فرزند آصف دیوان، عمده مالک کردستان بود که خاندانش در قدیم الایام منصب وزارت اردلان‌ها را در دست داشتند. خاندان آصف وزیری که از مالکان با نفوذ بودند، موفق به دریافت القاب آصف دیوان و آصف اعظم از پادشاهان قاجار شدند. ایشان در سال ۱۲۶۰ش در سنندج متولد شد و پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی، به اداره املاک پدری خود پرداخت. فرج الله خان آصف تنها کسی بود که در دوازده دوره مجلس شورای ملی از کل بیست و چهار دوره، نماینده سنندج بوده و از سناتورهای پرآوازه و ثروتمندان درجه اول عصر قاجار و پهلوی محسوب می شد (عاقلی، ۱۳۸۰: ۲۳). در دور سوم مجلس با ۳۳۴ رأی از مجموع ۹۷۳ رأی و به مدت ۸ ماه و ۲۵ روز، در مجلس حضور یافت (روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

ایشان از جانب مردم سنندج، بارها به صورت تلگراف از دولت و مجلس خواسته بود که در دفع اشرار و جلوگیری از غارت دهات اطراف سنندج اقدام کرده و قزاق و فوج حکومت را به این سمت بفرستند (شهرضایی، ۱۳۸۵: ۲۱۶-۲۱۷).

۵. انتخابات مجلس چهارم شورای ملی در سنندج

انتخابات مجلس چهارم به دلایلی در موعد مقرر شده خود به صورت منسجم صورت نگرفت و با اینکه انتخابات در شهر تهران خاتمه یافته بود، در شهرستان‌ها و ولایات همچنان ادامه داشت (هاشمیان، ۱۳۸۸: ۹۹۳؛ مرادی، ۱۳۹۱: ۱۳۸-۱۳۹). دلایلی همچون بی‌اعتمادی ملت به نحوه انتخابات که تحت تأثیر قرارداد ۱۹۱۹م بود، تظاهرات مردم علیه محبوس کردن برخی از رجال شهیر توسط عاملان کابینه سیاه (بهار، ۱۳۶۳: ۲۰-۱۹)، قیام‌ها و شورش‌هایی نظیر میرزا کوچک خان، اسماعیل آقا سمکو و کلنل پسیان که در بعضی ولایات به پا خواسته بود و اشغال ایران توسط نیروهای بیگانه در ناکامی مجلس چهارم نقش تعیین کننده ای داشت.

فراکسیون اقلیت‌ها در دور چهارم مجلس، شامل سوسیالیست‌ها می‌شد که ترکیبی از لیبرال‌های دو حزب قدیمی دموکرات و اعتدالی بودند و به سمت شوروی گرایش داشتند. در دسته مقابل و اکثریت، روحانیون، بازاریان و مالکان قرار داشتند که خود را اصلاح طلب نامیده بودند (هاشمیان، ۱۳۸۸: ۹۹۴؛ بهار، ۱۳۶۳: ۲۱؛ آبراهامیان، ۱۳۹۸: ۱۵۰). در انتخابات مجلس چهارم به دلیل قانون انتخاباتی که طی دوره‌های قبلی تصویب و به کار گرفته شده بود، در برگزیدن نمایندگان مجلس، شایسته سالاری و امتیازات فضلی را به باد غفلت سپرده بودند. طبق همین قانون بود که جوانان و مردان شایسته نتوانستند وارد مجلس چهارم شوند و همچنان کار نمایندگی در ید نمایندگان

کهنه کار، هواخواهان دولت، پول‌دهندگان و ثروتمندان افتاد و مردانی که به درد مشروطه می‌خوردند از قافله عقب ماندند (آبراهامیان، ۱۳۹۸: ۱۵۱؛ عبدی، ۱۴۰۰: ۲۸). در سنندج، پس از ابلاغ شروع انتخابات، هیأت نظارت بر انتخابات تشکیل شد و در نهایت سه تن از اعظام را به مجلس چهارم رهسپار کردند. دو نفر از این گروه، جزو نماینده‌های دوره های قبلی بودند و تنها محمدخان وکیل‌الملک چهره جدید بین نمایندگان اعزامی سنندج به مجلس بود.

۱-۵. اوضاع سیاسی، اجتماعی سنندج در دوره نمایندگان مجلس چهارم

مجلس چهارم که بعد از کودتای ۱۲۹۹ ش و با قدرت‌گیری رضاخان و اخذ منصب وزارت جنگ توسط او مصادف گردید، باعث شد که قدرت حاکمان کردستان نسبت به گذشته بسیار کمتر شود. رضاخان در نظر داشت که تمامی عشایر و ایلات را تخته‌قاپو کند تا از قدرت نظامی آنان بکاهد؛ بنابراین از این به بعد شاهد افزایش قدرت فرماندهان نظامی در مناطق مختلف کردستان به ویژه سنندج هستیم. لکن باز هم بزرگترین مشکل اهالی این خطه از غرب کشور، تعدیات حاکم وقت بود که به هر نحوی که می‌توانست، مردم را تحت فشار قرار می‌داد. اکثر اسناد مربوط به بازه زمانی دوره چهارم مجلس شورای ملی مربوط به شکایت‌های متعدد اقشار مختلف از شریف‌الدوله حاکم وقت کردستان و درخواست برای انفصال ایشان از حکمرانی می‌باشد. برای مثال علمای دینی کردستان در یک تلگراف به مجلس و وزارت داخله چنین نوشتند که عموم طبقات علما و روحانیون و امرا و غیره و اشراف و اعیان و تجار و کسبه و اصناف از ملل متنوعه در امامزاده و تلگرافخانه حاضر و متحصن، عاجزانه استدعای رفع این وضع فوق‌الطافه و انفصال آقای شریف‌الدوله و استرداد وجوهات مأخوذه و تعیین حاکم عادل کارآگاهی می‌نماییم (شهرضایی، ۱۳۸۵: ۲۴۸).

از دیگر مشکلاتی که دامان مردم سنندج و سایر شهرهای کردستان را گرفته بود، احتکار غلات و نبود قوت لازم برای مردم بود. یکی از کسانی که انبارهای خود را مملو از گندم کرد و مردم را به گرسنگی و قطعی دچار کرده بود، شخص آصف اعظم پیشکار شریف‌الدوله حاکم کردستان بود که موجب شکایت جمع کثیری از ضعفای کردستان به مجلس شورای ملی گردید (شمس، ۱۳۹۲: ۲۴۶-۲۴۳). دیگر رخدادی که در ایام رقم خورد، تقاضای علمای دینی اهل تسنن به سرکردگی شیخ محمد کردستانی برای تغییر سه اصل ۱ و ۲ و ۳۹ متمم قانون اساسی بود که جامعه اهل تسنن را دچار یأس و ناامیدی کرده بود. آنان در یک تلگراف از جمیع نمایندگان مجلس تقاضا کردند که این اصول سه‌گانه را تغییر دهند. در اصل اول، مذهب رسمی ایران را شیعه دوازده امامی اعلام کرد و در اصل دوم هیئت نظارت بر مصوبات مجلس را متشکل از ۵ نفر مجتهد شیعه تعیین کرده و در اصل سی‌ونهم نیز شرط پادشاهی را داشتن مذهب شیعه دوازده امامی و کوشش در ترویج آن دانسته بودند (<https://rc.majlis.ir>). این سه اصل از دیدگاه علمای اهل تسنن سنندج، موجب دوگانگی خانمان سوز بین شیعه و سنی می‌شد. این تقاضا موجب شد میان وزارتخانه‌های مختلف عدلیه و معارف و مجلس تلگراف‌هایی رد و بدل گردد و در نهایت به اجازه اداره معارف کردستان، تدریس شرعیات اهل تسنن در مدارس کردستان در دستور کار قرار گرفت (شمس، ۱۳۹۲: ۲۶۱).

۲-۵. نمایندگان سنندج در مجلس چهارم شورای ملی
۱-۲-۵. اسدالله خان کردستانی

اسدالله خان کردستانی برای سومین بار متوالی با اکتساب ۷۱۵۷ رأی (نظری، ۱۳۹۰: ۶۸۲) و تأیید اعتبارنامه‌اش و همچنین نبود هیچ نوع شکایت محلی راجع به ایشان، به نمایندگی سنندج در مجلس شورای ملی منصوب شد

(کمام؛ ش سند: ۰۰۰۱۷-۱۳۴۷۰-۴۷). در ایام فترت بین مجلس سوم و چهارم، هنگامی که سید ضیاء‌الدین طباطبایی نخست وزیر ایران بود (گروه مطالعات بنیادین حکومتی، ۱۳۸۴: ۸۰)، به پیشنهاد خود اسدالله خان، امتیاز چاپ دوازده هزار سری تمبر به او اعطا شد. پس از سقوط کابینه سید ضیاء، احمد قوام نخست وزیر ایران تمامی تمبرهای چاپ شده را جمع‌آوری و سوزاند. تنها تعداد سیصد عدد از آنها طی گفت‌وگوی زیاد به اسدالله خان واگذار شد. احمد قوام برای جبران این خسارت با او قرارداد جدیدی تحت عنوان چاپ تمبر خیام در ۷ آبان ۱۳۰۱ ش / ۹ ربیع‌الاول ۱۳۴۱ ق منعقد کرد. بدین منظور اسدالله خان به هند سفر کرد تا در چاپخانه هارلم این قرارداد جدید را به انجام برساند. پس از چاپ تمبرها، آرتور میلسپوی آمریکایی از تقدیم آن‌ها به وزارت پست و تلگراف خودداری کرد و در نهایت با خسارت زیادی که گریبان‌گیر اسدالله خان شد، موجب پدید آمدن دعوی طولانی بین اسدالله خان و دولت شد (ساکما؛ ۰۰۰۵-۰۷۳۳۹۴-۳۱۰-۰۰۰۶؛ ۰۷۳۳۹۴-۳۱۰-۰۰۰۵-۰۰۰۰). اسدالله خان در این مجلس یکی از منشی‌های هیأت رئیسه اجلاس دوم منتخب ۱۴ فروردین ماه ۱۳۰۱ ش (گروه مطالعات بنیادین حکومتی، ۱۳۸۴: ۸۳) و یکی از اعضای فراکسیون اصلاح‌طلبان بود (عبدی، ۱۴۰۰: ۵۲).

۲-۲-۵. فرج‌الله خان سردارمعظم

فرج‌الله خان در این دوره با ۷۱۳۷ رأی به مجلس راه یافت (نظری، ۱۳۹۰: ۱۹). با شروع جلسه اول مجلس چهارم، با قرعه‌کشی آقای مدرس، شعب شش‌گانه نظارت بر اعتبارنامه نمایندگان از جانب هیأت‌های نظارت ولایتی تشکیل گردید. اعتبارنامه فرج‌الله خان توسط شعبه دوم مورد تأیید قرار گرفت (روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ۱۳۲۸ ق: ۱). در مجلس چهارم، سردارمعظم کردستان به عضویت فراکسیون

اصلاح‌طلبان درآمد. از نطق‌های مهم ایشان در صحن مجلس، جلسه ۲۴۰ بود. در این جلسه از تلاش کرده‌های ایران در ایام اشغال ایران به تفصیل سخن راند و اقدامات اسماعیل خان سمکو که از کرده‌های آذربایجان بود را از روی هوای نفس تعبیر کرده و سعی در جلب حسن نظر سایر نمایندگان در وطن‌پرستی داشت (شمس، ۱۳۹۲: ۲۷۴-۲۶۹).

۵-۲-۳. محمدخان وکیل‌الملک

محمدخان وکیل‌الملک که از مالکان بزرگ و خاندان متنفذ وکیل در سنندج بود، در سال ۱۲۶۴ ش متولد شد. ایشان در همین شهر به تحصیل ادبیات فارسی و عربی و فقه و اصول پرداخت (عاقلی، ۱۳۸۰: ۱۲۸۵). وکیل‌الملک که به محمد کردستانی شهرت داشت، توانست در دور چهارم مجلس در کنار دو نماینده دیگر این خطه حضور یابد. ایشان دارای تحصیلات قدیم و مردی فاضل و احیب بود که به خاطر اقدامات عمرانی و فرهنگی خود در سنندج شهرت زیادی داشت (نظری، ۱۳۹۰: ۸۸۵). او همچون دو نماینده دیگر به عضویت فراکسیون اصلاح‌طلبان درآمد. پس از حضور در تهران، به دلیل آنکه پایتخت در فضای بحرانی کودتای ۱۲۹۹ ش قرار داشت، گشایش مجلس به تعویق افتاد و اکثر نمایندگان در تهران ماندند. وکیل‌الملک توانست پس از چهل روز، از حکومت نظامی پایتخت خارج شده و به سنندج مراجعت نماید. با گشایش مجلس، در جلسه ۴۳ که در ۳۰ آبان ۱۳۰۰ ش برگزار شد، محمدهاشم میرزا نماینده خراسان به تأیید اعتبارنامه ایشان معترض شد و در صحن مجلس دلیل اعتراض خود را چنین تصریح کرد که طبق تلگراف شریف‌الدوله حاکم کردستان که در روزنامه ایران مورخ ۱۱ شعبان مخابره شده، وکیل‌الملک از دولت سید ضیاء در حضور مردم سنندج تمجید کرده و آنان را از حسن جریان امور مطمئن کرده است. همچنین اضافه کرد که بقیه

نمایندگان به علت حکومت نظامی حق خروج از تهران را نداشتند و اگر وکیل‌الملک به راحتی از پایتخت خارج و به محل زندگی خود بازگشته، همین صحنه‌ای بر همکاری وی با دولت سید ضیاء می‌باشد. شاهزاده اقبال‌السلطنه نماینده شهرهای سقز و بانه که خود در آن جلسه با اهالی کردستان در خدمت وکیل‌الملک حضور داشت، در دفاع از محمدخان اذعان داشت که چون اهالی حاضر در آن جلسه، از اوضاع تهران واهمه داشتند، وکیل‌الملک برای اطمینان خاطر آنان تنها یک جمله مختصر گفت و آن این بود که تنها متنفذین را به استثنای چند نفر حبس کردند و ابداً اینطور نبوده که اهالی با شنیدن سخنان ایشان خوشحال شوند. سردار معظم خراسانی تیمورتاش نیز در دفاع از وکیل‌الملک، تلگراف او به اسدالله کردستانی را در صحن مجلس برای همگان خواند که در آن خود را از شایعات و اتهامات مبرا کرده بود. با این توضیحات محمدهاشم میرزا از دعاوی خود عقب کشید و اعتبارنامه وکیل‌الملک موافقت لازم را گرفت (روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ۱۳۲۸: ۲۶۳). در یکی از اسناد به جا مانده از آن دوره، وکیل‌الملک به عنوان نماینده مردم سنندج یک تلگراف با موضوع اسفناک بودن اوضاع مالیة کردستان به مجلس دارالشورای ملی و وزارت مالیه فرستاد. او در متن اشاره کرده: «چون مالیه دولت از دست رنج ملت جمع می‌شود، به ما اجازه خواهید داد عرض نمایم در این موقع که دولت به وجود مستشاران محترم خارجی موفق به اصلاح دوایر مالیه شده و شروع به تشکیلات جدید نموده، لازم است خاطر اولیای امور را به خرابی مالیه کردستان و سوابق پرسنلی و خیانات چندین ساله معین دیوان که عامل قوی خرابی مالیه بودند جلب و معطوف داریم» (شمس، ۱۳۹۲: ۳۸۴-۳۸۳).

۶. انتخابات مجلس پنجم شورای ملی در سنندج

پس از بسته شدن مجلس چهارم، در ۲۲ بهمن ۱۳۰۲ ش/ ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۳۴۲ ق درهای مجلس پنجم گشوده شد. این مجلس با تمامی مجالس قبل و بعد خود بسیار متفاوت شد؛ آنجا که خلع سلسله قاجار از سلطنت و رسیدن رضاخان به پادشاهی رخ داد. انتخابات دور پنجم مجلس زمانی برگزارگردید که رضاخان بر کرسی نخست وزیری تکیه زده و در تلاش بود برای دستیابی به خواسته‌های خود، نمایندگان موافق و همراه با خویش را وارد مجلس کند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۳۰۵). رضاخان گشایش مجلس پنجم را در اولویت کار خود قرار داد و حتی دستور داد برای برخی از نمایندگان که از راه دور می‌آمدند و کم بضاعت بودند، وسیله نقلیه فرستاده تا زودتر به مرکز برسند (میرزاصالح، ۱۳۷۲: ۳۶۱-۳۶۰). دستور انتخابات دور پنجم قبل از اتمام مجلس چهارم صادر شد و در تهران برگزار گردید؛ اما در سایر شهرها بعد از خاتمه پیدا کردن دور چهارم مجلس شروع شد. این انتخابات طبق نظام‌نامه انتخاباتی دور قبلی انجام گرفت. فقط چند مورد تغییرات جزئی در قوانین انتخاباتی نظام‌نامه انجام گرفت و در تعداد نفرات وکلای مجلس تغییری حاصل نشد. با توجه به فصل سوم ماده سیزدهم، مستخدمین امنیه، نظمیه و اهل نظام بری و بحری، حاکمان کل و جزء و معاونین ایشان در قلمرو مأموریت خود و مأموران مالیه در قلمرو مأموریت خود از کلندید شدن و نماینده شدن محروم شدند (سلامی، ۱۳۸۴: ۴۸۳). در خلال انتخابات این دور از مجلس، کارشکنی‌های فراوانی در مسیر اجرا شدن انتخاباتی سالم برای نمایندگان مردمی صورت گرفت. تقلب در جریان انتخابات چنان آشکار و مبرهن بود که مورد اعتراض جریان‌های سیاسی و کمیسیون‌های انتخاباتی در برخی از شهرها شد و آنان از قانونی شناختن نتیجه انتخابات خودداری می‌کردند (دریایی، ۱۳۹۰: ۱۰۵). سرانجام با کوشش‌های فراوانی که عوامل

رضاخان در ولایات صورت دادند، اکثر نمایندگان انتخاب و ۷۰ نفر از آن‌ها در تهران حاضر شدند (نیازمند، ۱۳۸۷: ۶۵۲).

در سنندج با شروع انتخابات، نمایندگان دور قبل مجدداً به مجلس راه یافتند. با این تفاوت که در گرایش‌های حزبی خود تغییراتی دادند. اسدالله خان کردستانی و محمدخان وکیل‌الملک عضو فراکسیون تجدد که حافظ منافع رضاخان بودند درآمده و میرزا فرج‌الله خان سردار معظم به عضویت فراکسیون سوسیالیست‌ها درآمد (عبدی، ۱۴۰۰: ۱۱۵-۱۱۶).

۶-۱. اوضاع سیاسی، اجتماعی سنندج در دوره نمایندگان مجلس پنجم

دوره مجلس پنجم، در کردستان آن ناامنی حاصل از حضور اشرار که در دوره‌های اسبق به وفور شاهدش بودیم، بسیار تقلیل یافته بود. این کاهش تعديات، به دلیل سیاست تمرکزگرایی و سلطه جویی رضاخان بود که از طریق قوای نظامی خود سعی در دفع هر گونه ناامنی و شورش در کشور را داشت. همین سیاست باعث شد که اتحادیه اصناف و بازاریان کردستان از اقدامات دولت ابراز مسرت کرده و رضاخان را به دلیل برقراری امنیت تحسین‌کنند (شهرضایی، ۱۳۸۵: ۳۴۱). تحقیقات به عمل آمده از اسناد مجلس پنجم نشان می‌دهد نامه‌نگاری و تلگراف‌های اقسار مختلف کردستان و عموم مردم به مجلس به دفعات ارسال شده است. گویی وظایف و ظرفیت‌های مجلس بیش از پیش در میان طبقات مختلف مردم جا افتاده بود و آن‌ها فارغ از طبقه و شغل، دعاوی خود را به این نهاد تقدیم می‌کردند. برای مثال رعایا که از جور مالکان به ستوه آمده بودند، برای اجرای عدالت به مجلس پناه برده و حتی نوکرانی که عمر خود را در خدمت اربابان خود گذرانیده و اکنون پیر و فرتوت شده بودند، از مجلس انتظار حمایت داشتند. این مسئله به خودی

خود بسیار حائز اهمیت و تحسین برانگیز است؛ زیرا مجلسی که در دوره‌های گذشته هیچ شباهتی به مجلس مردمی نداشت و تنها متعلق به طبقاتی بود که پول و مقام داشتند، اکنون راه خود را میان عموم مردم پیدا کرده بود (شمس، ۱۳۹۲: ۳۵۳-۲۹۹). از دیگر مسائلی که در این ایام رخ داد، اعتراض علمای کردستان لغو القاب توسط رضاخان بود. علمای کردستان از حذف لقب شیخ‌السلامی ناخرسند بودند. در نتیجه از دولت و مجلس تقاضا کردند برای این لقب که تنها یک لقب دینی و مذهبی می‌باشد، استثنا قائل شوند. با این حال اصناف و بازاریان که لقب شیخ‌الاسلامی را مترادف با خوردن اموال دیگران و یادگار دوران استبداد می‌دانستند، از این لقب اظهار تنفر و این اقدام دولت را تکریم کردند. دولت در این رابطه قول تحقیقات محلی داد و تصمیم‌گیری نهایی را به بعد از تحقیقات موکول کرد (شهرضایی، ۱۳۸۵: ۳۴۱-۳۳۸؛ شمس، ۱۳۹۲: ۳۴۴-۳۴۲). مجلس پنجم، در ۲۲ بهمن ۱۳۰۴ ش/ ۲۸ رجب ۱۳۴۴ ق به پایان رسید.

۲-۶. نمایندگان سنندج در مجلس پنجم شورای ملی
۱-۲-۶. فرج‌الله خان سردارمعظم

فرج‌الله خان سردارمعظم با ۱۳۱۶۶ رأی در این دور از مجلس، به گروه نمایندگان حزب سوسیالیست پیوست. اعضای این حزب که در دور پنجم مجلس به حلقه یاران رضاخان پیوسته بودند، به بازویی توانمند برای پیشبرد اهداف وی تبدیل شدند (ورفی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۱). پیشینه فعالیت‌های رسمی این حزب به مجلس چهارم باز می‌گردد که از ترکیب مؤتلفین دموکرات‌ها و اعتدالیون قدیم در تهران به وجود آمده بود و توانست برخی از جوانان متجدد را به خود جذب کرده و حزب سوسیالیست که به مسلک و سیاست کمونیسم روسیه متمایل بود را تشکیل دهند (زارعی، ۱۳۹۸: ۲۳۶). فرج‌الله خان که از طرفداران رضاخان بود،

گاهی به دیدار رضاخان می‌رفت و در مواقع کسالت یا مناسبت‌های مختلف، به رضاخان پیام می‌فرستاد. فرج‌الله خان جزو موافقین خلع سلسله قاجاریه بود (کمام؛ ۰۴۱۲۲۰-۰۰۳۲۶). او عضو تشکیلات مجلس مؤسسان بود و برای تحکیم قدرت رضاشاه تلاش‌های فراوانی انجام داد (<https://www.iichs.ir>). در چهار سند از اسناد برگزیده کردستان مربوط به مجلس پنجم، از حرص و آز آصف اعظم کردستانی که از خویشاوندان سردارمعظم بود سخن به میان آمده است (شمس، ۱۳۹۲: ۳۱۲-۳۰۶). این شخص که از مالکان بزرگ سنندج و مناطق حومه‌ای بود، برای مصادره املاک روستاییان اطراف، تلاش و جهد فراوانی می‌کرد و همین تعدیات و طمع‌ورزی‌ها موجب شد که روستاییان به مجلس تلگراف زده و از اقدامات این فرد، ناراضی شوند. آنان در یکی از نامه‌های خود به وکلای حاضر در مجلس، سردارمعظم را متهم به حمایت و لاپوشانی اقدامات آصف اعظم کرده و از مجلس توقع یاری و حمایت داشتند.

۲-۶. اسدالله خان کردستانی

اسدالله خان کردستانی در این دوره با ۱۰۷۹۵ رأی از سوی اهالی سنندج به مجلس راه پیدا کرد. او برخلاف دوره‌های قبلی دیگر سمت منشی‌گری هیأت رئیسه اجلاس‌های مختلف را برعهده نداشت. یکی از مسائلی که از دوره‌های قبل همچنان خاطر اسدالله خان را مکدر ساخته بود، جبران خسارات تمبرهایی بود که در زمان نخست‌وزیری قوام سفارش داده بود. اسدالله خان بارها برای مجلس، وزارت مالیه و ریاست وزراء شکایت خود را فرستاد و تقاضای جبران هزینه‌هایی را داشت که از جیب خود پرداخت کرده و در مقابل زمانی که از فروش تمبرها جلوگیری شده بود، ضرری دوچندان بر دستان وی به جای گذاشته بودند. در نهایت ریاست وزراء به وزارت مالیه دستور داد که از طریق اعتبار مجلس شورای ملی، خسارات اسدالله خان کردستانی جبران

گرد (ساکما؛ ۰۰۰۳-۰۷۳۳۹۴-۳۱۰). وزارت مالیه در جواب تلگراف ریاست وزراء، چنین نوشت: «راجع به دعاوی آقای میرزا اسدالله خان کردستانی، محترماً دقت و توجه آن مقام منیع رابه این نکته معطوف می‌دارد که مطابق قانون، هر سال از بودجه وزارت‌تخلنه‌ها فقط بابت مخارج همان سال می‌توان وجوهی تأدیه کرد؛ لذا برای پرداخت ادعای آقای کردستانی که بابت معامله یکی از سنوات سابق است به نظر وزارت مالیه غیر از اعتبار جاری دولت اعتبار دیگری وجود ندارد» (ساکما؛ ۰۰۰۴-۰۷۳۳۹۴-۳۱۰).

۶-۲-۳. محمدخان وکیل‌الملک

محمدخان وکیل‌الملک در مجلس پنجم به گروه نمایندگان حزب تجدد پیوست؛ هدف اصلی این حزب برقرار ساختن یک حاکمیت متمرکز و مقتدر با کمک رضاخان بود (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۱۲). وکیل‌الملک در مجلس پنجم، جزو کسانی بود که به خلع قاجاریه از پادشاهی رأی مثبت داد (کمام؛ ش سند: ۰۰۳۲۶-۰۴۱۲۲۰). در اسامی نمایندگان منتخب این مجلس، نام محمدخان وکیل‌الملک می‌درخشد (<https://www.iichs.ir>). وکیل‌الملک از نمایندگانی بود که به صورت مرتب و متعدد صدای رسای شکواییه اهالی کردستان در مجلس می‌شد. برای مثال تعدادی از اهالی کردستان که دچار اجحافات اداره مالیه کردستان شده بودند، شکایت خود را به وکیل‌الملک انتقال داده و ایشان نیز از طریق یک تلگراف از تعدیات و تبعیضات این اداره در خصوص اجرای قانون جدید استخدامی و دست‌اندازی‌های مکرر رؤسای آن بر عواید دولتی گزارش کاملی به مجلس تقدیم نمود (شهرضایی، ۱۳۸۵: ۳۲۶-۳۲۵). یا در تلگرافی دیگر خطاب به مجلس، ضمن شرح اوضاع تأسف بار کردستان پس از تاخت و تازها و قحطی‌های اخیر، از موضوعاتی همچون حق و حقوق سربازانی که طبق قانون جدید سربازگیری اجباری به خدمت نظام درآمده‌اند؛ ضبط اجباری احشام عشایری که طبق سیاست تخته‌قاپو در معرض فقر شلید و مرگ هستند، قحطی و نبود مایحتاج ازراق مردم در بازار و باج گرفتن‌های مکرر عاملان حکومت، وجوه سنگین و کمرشکن گمرکی که از تجار اخذ می‌شود و

اسدالله خان کردستانی در مجلس پنجم به عضویت فراکسیون تجدد درآمده بود که متشکل از روشنفکرانی بود که عقیده داشتند رعیت فاقد درک و تولنایی لازم برای درک مصالح خود و کشور بوده و از این رو باید ملت ساخته شود و دولت ملی مانند آنچه در اروپا وجود دارد، محور قرارگیرد (اکبرزاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۳۳). نارضایتی مردم و نخبگان سیاسی از ضعف و فساد که حکومت قاجار را گرفتار خود کرده بود، باعث شد که جولنان تحصیل‌کرده غرب در قالب فراکسیون تجدد گرده هم آمده و تنها راه نجات ایران را ایجاد یک دیکتاتوری منور بدانند که فردی با زور و اجبار خواسته‌های مترقیانه آنان را جامه عمل بپوشاند (تنهاتن ناصری و مرتضایی؛ ۱۳۸۷: ۲۴). در مرداد ۱۳۰۵ دو تلگراف از شکایات علمای کردستان به مجلس رسید که در متن آن، از تقلب و فساد اسدالله خان در نحوه رأی آوردن و حضورش در مجلس شورای ملی به هیأت رئیسه مجلس و ریاست وزراء شکایت کرده بودند. در متن این دو تلگراف، پس از ذکر سوء استفاده‌هایی که اسدالله خان از مقام نمایندگی خود کرده، خواسته بودند دولت و مجلس در دور بعدی مجلس مانع تأیید اعتبار و نماینده شدن او شوند (کمام، ش سند: ۰۶۷۵۹-۴۳). کردستانی در این دوره از مجلس که واپسین دوره‌اش بود، جزو نمایندگانی بود که به

اسدالله خان کردستانی در مجلس پنجم به عضویت فراکسیون تجدد درآمده بود که متشکل از روشنفکرانی بود که عقیده داشتند رعیت فاقد درک و تولنایی لازم برای درک مصالح خود و کشور بوده و از این رو باید ملت ساخته شود و دولت ملی مانند آنچه در اروپا وجود دارد، محور قرارگیرد (اکبرزاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۳۳). نارضایتی مردم و نخبگان سیاسی از ضعف و فساد که حکومت قاجار را گرفتار خود کرده بود، باعث شد که جولنان تحصیل‌کرده غرب در قالب فراکسیون تجدد گرده هم آمده و تنها راه نجات ایران را ایجاد یک دیکتاتوری منور بدانند که فردی با زور و اجبار خواسته‌های مترقیانه آنان را جامه عمل بپوشاند (تنهاتن ناصری و مرتضایی؛ ۱۳۸۷: ۲۴). در مرداد ۱۳۰۵ دو تلگراف از شکایات علمای کردستان به مجلس رسید که در متن آن، از تقلب و فساد اسدالله خان در نحوه رأی آوردن و حضورش در مجلس شورای ملی به هیأت رئیسه مجلس و ریاست وزراء شکایت کرده بودند. در متن این دو تلگراف، پس از ذکر سوء استفاده‌هایی که اسدالله خان از مقام نمایندگی خود کرده، خواسته بودند دولت و مجلس در دور بعدی مجلس مانع تأیید اعتبار و نماینده شدن او شوند (کمام، ش سند: ۰۶۷۵۹-۴۳). کردستانی در این دوره از مجلس که واپسین دوره‌اش بود، جزو نمایندگانی بود که به

مالیات‌های بدون برنامه و زیاده از حدی که متوجه اصناف و بازاریان است، پرده برداشته است (شمس، ۱۳۹۲: ۳۵۱-۳۴۹).

۷. نتیجه‌گیری

در دوره مشروطه، سنندج نتوانست به موقع خود را به قافله پیش‌رونده قانون‌خواهی و محدودیت اختیارات شاه برساند. مهم‌ترین مولفه‌ها و عوامل اجتماعی که در این وضعیت تاثیرگذار بودند؛ بافت عشایری جامعه کردستان، کم بودن جمعیت شهرنشینان این ولایت در آن زمان، بالا بودن جمعیت روستاییان و عشایر و طبعاً اهمیت نداشتن طبقه آنان در امر انتخابات، تمرکز قدرت اجتماعی و اقتصادی در دست چندین خاندان بزرگ زمین‌دار و اهمیت نداشتن کردستان برای مشروطه‌خواهان مرکز باز می‌گردد. این عوامل باعث شد که جنبش مشروطه‌خواهی، تحزب و انتخابات آن چنان که در سایر شهرها پیرنگ شده بودند، در سنندج شکل نگیرد. اهالی سنندج در شروع نهضت مشروطه تا قدرت‌گیری رضاخان، به مرور با مجلس و مفاهیم وابسته به آن همچون رأی، قانون، آزادی، نماینده و... آشنا شدند و از مجلس سوم به بعد مشارکت مردم در امر انتخابات رشد کرد. با این حال فضای مجالس این دوران خالی از تقلب و رأی‌سازی نبوده و با اتحاد حکام محلی و مالکان بزرگ، نتایج انتخابات به سمت و سوی منافع آنان تغییر می‌کرد. در این دوره، همه نمایندگان سنندج از طبقات مالکان و زمین‌داران بزرگ سنندج بودند که با پیشینه تفکرات عشایری و سنتی خود، در مجلس بیشتر حامی منافع شخصی بودند تا فعالیت در عرصه قانون‌گذاری. در جامعه‌ای که زمین ملاک قدرت محسوب می‌شد و قوت جمع‌کثیری از رعایای روستایی وابسته به آن و اقتصاد شهرنشینان را فراهم می‌آورد، این مالکان بزرگ بودند که از نفوذ بسیار زیادی برخوردار شدند. آنان از طریق نفوذ محلی و برقراری روابط نزدیک با حکام و

رجال حکومتی در امر انتخابات و مجلس، پرچم‌دار منافع مردم سنندج در عرصه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شدند. تحصیلات نمایندگان منتخب سنندج از ادوار دوم تا پنجم مجلس شورای ملی بیشتر در حد متعارف و متوسطه بود. نمایندگان سنندج در کل ادوار مجلس بیشتر به سمت حزبی گرایش داشتند که دارای امتیاز اکثریت جمعیت مجلس بود و این نشان از محافظه‌کاری نمایندگان این شهر می‌باشد. اظهارات و مشارکت نمایندگان سنندج در مجلس شورای ملی در مورد وضعیت حوزه انتخاباتی خود بسته به نوع مسئله و موضوع، در هاله‌ای از محافظه‌کاری قرار داشت و به شرایط سیاسی و اجتماعی دولت مربوط بود.

در ادوار اولیه مجلس به علت مشغله نمایندگان به مسائل بنیادی و ملی، آن چنان که باید، به مسائل کردستان و سنندج از جانب وکلای مردمی توجهی نشد. این مردم بودند که با عریضه‌نویسی و فرستادن تلگراف‌های متعدد به مجلس سعی در حل مسائل خود داشتند. در این بین بودند نمایندگانی که در حد توان صدای رسای مردم محروم کردستان در مجلس بودند. با این حال همان افراد نیز در دوره رضاشاه، چه از ترس جان یا به خاطر منافع خود و طبقه‌شان، اظهارنظر و نطقی بی‌پروا و خارج از برنامه از پیش تعیین شده جلسات مجلس ایراد نمی‌کردند.

کتابنامه

- آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نی، ۱۳۹۸.
- آدمیت، فریدون، ایدئولوژی نهضت مشروطیت، سوند: کانون کتاب ایران، ۱۹۸۵ م.
- آذری شهرضایی، رضا، گزیده اسنادی از وقایع مشروطیت در کردستان و کرمانشاهان، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵.
- اتحادیه، منصوره، مجلس و انتخابات از مشروطه تا پایان قاجاریه، تهران: تاریخ ایران، ۱۳۷۵.

- اسنادی از انتخابات و مجلس در دوره رضاشاه، به کوشش غلامرضا سلامی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ۱۳۸۴.
- اکبرزاده، فریدون و شیوا جلال‌پور و احسان مدملیل، «نقش روشنفکران حزب تجدد در شکل‌گیری دولت مدرن در ایران (با توجه به حکومت پهلوی اول)»، همایش ملی علوم رفتاری و اسلامی، صص ۳۳۴-۳۲۹، ۱۳۹۶.
- بهار، ملک‌الشعراء، تاریخ احزاب سیاسی ایران، ج ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- تقی‌زاده، حسن، تاریخ مجالس شورای ملی ایران، به کوشش عزیزالله علیزاده. تهران: فردوس، ۱۳۷۹.
- تنهاتن ناصری، ایرج و مریم مرتضایی، «نگاهی به مصوبات سیاسی مجلس شورای ملی در طی سلطنت پهلوی اول»، فصلنامه مسکویه، ش ۹، صص ۱۹-۵۲، ۱۳۸۷.
- دولت آبادی، یحیی، حیات یحیی، تهران: عطار، ۱۳۶۱.
- دریایی، نیلگون، «سیری در انتخابات مجلس پنجم شورای ملی»، فصلنامه مطالعات تاریخی، ش ۳۴، صص ۹۴-۱۴۳، ۱۳۹۰.
- راوندی، مرتضی، تفسیر قانون اساسی ایران، تهران: مبشری، ۱۳۵۷.
- رحیمی، مصطفی، قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- رعنائی، شهین، «بررسی تأثیرات جنگ جهانی اول بر ساختارهای اجتماعی مناطق غربی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، سال نهم، ش ۳، (پیاپی ۳۵)، صص ۱۹-۳۲، ۱۳۹۶.
- روزنامه حبل‌المتین، ش ۴، ۳ رجب ۱۳۲۴ق.
- روزنامه مجلس، شماره ۱، ۴ و ۶، سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۷ق.
- روزنامه ندای وطن، ش ۲، ۱۸ ذی‌القعدة ۱۳۲۴ق.
- روزنامه نوبهار، ش ۲۵، ۹ جمادی‌الاول ۱۳۳۲ق.
- زارعی، غفار، «واکاوی فرجام احزاب سیاسی در مجلس پنجم شورای ملی»، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال سوم، ش ۱۱، صص ۲۲۷-۲۴۴، ۱۳۹۸.
- زارعی مهرورز، عباس، «احزاب و انتخابات در کردستان از مشروطه تا پایان جنگ جهانی اول»، نشریه پیام بهارستان، ش ۱۰، صص ۳۵۹-۳۷۵، ۱۳۸۹.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۳۱۰-۰۶۶۴۹۹: برگ ۱؛ ۷۳۳۹۴-۳۱۰: برگ ۳، ۴، ۵، ۶، ۷.
- سلطان زاده، مرضیه، «انتخابات مجلس شورای ملی در ارومیه (رضائیه) در مقطع زمانی مجلس اول تا سیزدهم تقنینیه (۱۲۸۵ خورشیدی تا ۱۳۲۰ خورشیدی)»، استاد راهنما: دکتر داریوش رحمانیان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۹۱.
- شاه‌دی، مظفر، «فهرست اسامی نمایندگان مجلس مؤسسان اول (آذر ۱۳۰۴)»، سایت پژوهش‌گه تاریخ معاصر ایران، (<https://www.iichs.ir>).
- شجاعی دیوکلانی، حسن و محمدامین خدابنده، «چالش‌های برگزاری انتخابات مجلس اول شورای ملی»، نشریه پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره پانزدهم، ش ۲۹، صص ۳۷۹-۳۵۴، ۱۴۰۰.
- شجاعی، زهرا، نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، تهران: سخن، ۱۳۷۲.
- شمس، اسماعیل، گزیده‌ای از اسناد کردستان (مجلس اول تا پنجم شورای ملی)، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲.
- صدر روحانی، حسین، «اقدامات مجلس شورای ملی اول»، نشریه پیام بهارستان، ش ۷۶، صص ۲-۱۱، ۱۳۸۶.
- عاقلی، باقر، شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، تهران: علم، ۱۳۸۰.
- عبدی، حسین، «نقش و عملکرد سیاسی نمایندگان دوره‌های چهارم و پنجم مجلس شورای ملی در تحکیم حکومت پهلوی (با تکیه بر مذاکرات مجلس)»، استاد راهنما: دکتر طلعت ده‌پهلوان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کرمانشاه: دانشگاه رازی، ۱۴۰۰.
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)، ۱۳۴۷۰-۰۰۰۱۷:۲۳-۱۷۴۶۰-۰۰۰۴۷:۰۰۰۶۵-۱۲۱۷۱-۴۲-۴۷:۰۰۳۲۶-۴۰-نمره ۰۴۱۲۲۰:۰۶۷۵۹-۴۳.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۷.
- کلهر، محمد، «مشروطه و بحران سیاسی کردستان»، نشریه زمانه، سال پنجم، ش ۴۷، صص ۲۶-۳۲، ۱۳۸۵.
- «متمم قانون اساسی مشروطه»، سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (<https://rc.majlis.ir>).

- محمدی، صلاح‌الدین، «بررسی نقش حزب تجدد در استقرار و ثبات حکومت پهلوی اول»، استاد راهنما: دکتر جلیل نائیبیان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تبریز: دانشگاه تبریز، ۱۳۹۱.
- مخبرالسلطنه هدایت، مهدی‌قلی، **خاطرات و خطرات**، تهران: زوار، ۱۳۴۴.
- مذاکرات دوره دوم مجلس شورای ملی، روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران: جلسات ۱۲۰، ۱۳۰، ۱۳۱، ۲۰۹، ۲۶۳، ۳۰۸.
- مذاکرات دوره سوم مجلس شورای ملی، روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران: جلسات ۱، ۴۱.
- مذاکرات دوره چهارم مجلس شورای ملی، روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران: جلسات ۴، ۴۳.
- مرادی، سهیلا، «انتخابات در کرمانشاه از مشروطه تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲»، استاد راهنما: دکتر داریوش رحمانیان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۹۱.
- مردوخ کردستانی، محمد، **تاریخ مردوخ**، تهران: کارنگ، ۱۳۷۹.
- مروارید، یونس، از مشروطه تا جمهوری: نگاهی به ادوار مجالس قانون‌گذاری در دوران مشروطیت، تهران: اوحدی، ۱۳۷۷.
- مظفر احمد، کمال، **کردستان در سال‌های جنگ جهانی اول**، ترجمه رضاخیری مطلق، تهران: رسا، ۱۳۹۸.
- معین، محمد، «رجال صدر مشروطیت»، نشریه یغما، ش ۴۹، صص ۱۷۳-۱۶۸، ۱۳۳۱.
- میرزا صالح، غلامحسین، **رضاشاه: خاطرات سلیمان بهبودی**، شمس پهلوی و علی ایزدی، تهران: طرح نو، ۱۳۷۲.
- نجفی، موسی و موسی فقیه‌حقانی، **تاریخ تحولات سیاسی ایران**، تهران: پژوهشکده تاریخ معاصر ایران، ۱۴۰۳.
- نظری، منوچهر، **رجال پارلمانی ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی**، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۹۰.
- نیازمند، رضا، **رضاشاه از تولد تا سلطنت**، تهران: حکایت قلم نوین، ۱۳۸۷.
- ورفی‌نژاد، ایرج و سجاد دادفر و روح‌الله بهرامی، «فراز و فرود حزب سوسیالیست و عملکرد آن در مجالس چهارم و پنجم»، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، سال نهم، ش ۲ (پیاپی ۳۵)، صص ۱۳۱-۱۴۹، ۱۳۹۶.
- هاشمیان، هادی، «دوره چهارم مجلس شورای ملی»، نشریه پیام بهارستان، سال اول، ش ۳، صص ۹۹۳-۱۰۰۳، ۱۳۸۸.